

بسم الله الرحمن الرحيم

جواب سوال

معنی «المعاهد» در سرزمین های اسلامی

(ترجمه)

به جواب Jumah Alsaad

سوال:

برادر گرامی، السلام علیکم و رحمة الله و برکاته!

در صفحه ۸۰ کتاب «مفاهیم حزب التحریر»، در سطر دهم از بالا چنین آمده است: «بل يعمل لاقتلاع الأوضاع التي أقامها الكافر المستعمر من جذورها، بتحرير البلاد، والمعاهد والأفكار، من الاحتلال...» سوال این است: مقصود از واژه «المعاهد» چیست؟ الله سبحانه وتعالى شما را به آنچه دوست دارد و راضی می شود، موفق نماید!

جواب:

و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته!

متنی که از آن سؤال شده در پایان کتاب مفاهیم حزب التحریر در صفحه ۸۳ (نسخه ورد) آمده. متن چنین است: «از همین رو حزب التحریر برای رهایی مناطق اسلامی از تمامی اشکال استعمار تلاش می کند. او با استعمار جنگی بی امان می جنگد، اما صرفاً خواهان خروج نیروهای اشغالگر یا استقلال ظاهری نیست، بلکه برای ریشه کن کردن تمام ساختارهایی که استعمارگر کافر برپا کرده تلاش می کند؛ از جمله آزادی سرزمین ها، نهادهای تعلیمی (المعاهد) و آزادی افکار از سلطه استعمار، خواه این سلطه نظامی باشد، یا فکری، فرهنگی، اقتصادی و یا از نوع دیگری.

حزب هم چنین با هر کس که از هر جنبه و به هر شکلی از استعمار دفاع کند، مبارزه می نماید، تا زمانی که زندگی اسلامی با برپایی دولت اسلامی که حامل پیام اسلام برای همه جهانیان است، از سر گرفته شود. از الله سبحانه وتعالى یاری می طلبیم و با تضرع به درگاه او دعا می کنیم که ما را در انجام این مسئولیت های بزرگ یاری دهد؛ همانا او شنوا و اجابت کننده دعاهاست.» ختم نقل قول.

توضیح واژه «المعاهد»: مقصود از المعاهد در این سیاق، همان نهادهای تعلیمی است؛ خواه مدرسه باشد و یا پوهنخی ها/دانشکده و یاپوهنتون/دانشگاه و سائر مراکز تعلیمی عمومی و تخصصی باشد.

لذا لفظ المعاهد در اینجا همه نهادهای تعلیمی را در بر می گیرد. زیرا استعمارگر کافر، سیاست های تعلیمی را در سرزمین های اسلامی مطابق با افکار و دیدگاه خود نسبت به زندگی وضع نموده و بدین ترتیب، افکار متعلمان را مسموم و آنان را از مفاهیم اسلامی و نگاه اسلامی به زندگی دور ساخته است. پس در روند آزادسازی و رهایی، ضرورت است که این نهادها نیز آزاد شوند تا سیاست های تعلیمی در آن ها بر اساس اسلام شکل گیرد.

ما در کتاب «الدولة» (صفحات ۲۲۴ تا ۲۲۶ - نسخه ورد) چنین بیان نمودیم: «بهمحض آن که استعمارگر کافر سرزمین ها را اشغال کرد، بلافاصله قوانین غربی را به عنوان قوانین مدنی و بی ارتباط با اسلام، تطبیق کرد، در نتیجه، احکام شرعی کنار گذاشته شد، حاکمیت کفری حاکم گردید و حاکمیت اسلام به حاشیه رانده شد. آنچه به این روند کمک کرد، استوار ساختن پایه های استعمار از طریق سیاست تعلیمی بود که خودش ترسیم کرد و برنامه های درسی را خودش وضع نمود؛ برنامه هایی که تا امروز در سراسر جهان اسلام به کار گرفته می شوند. این سیاست تعلیمی، توده های بزرگی از معلمان را به وجود آورد که بیشتر آن ها از این برنامه ها پاسداری و حمایت می کنند. بسیاری از آنان اداره امور را در دست دارند و مطابق خواست استعمارگر کافر حرکت می کنند.

سیاست تعلیمی بر دو پایه استوار گردیده است: یکی جدایی دین از زندگی، که به طور طبیعی به جدایی دین از دولت منجر می شود و باعث می گردد نسل مسلمانان با برپایی دولت اسلامی مخالفت کنند؛ زیرا چنین دولتی با اصولی که بر آن تربیت یافته اند، در تضاد است. دوم شخصیت استعمارگر کافر به عنوان منبع اصلی علوم و اطلاعات معرفی شده است. این امر موجب احترام و بزرگداشت استعمارگر و تقلید از او حتی با وجود کفر و اشغالگری اش می شود. در مقابل، موجب تحقیر

مسلمانان، دوری از آنان، بیزاری از آن‌ها و امتناع از پذیرش چیزی از آنان می‌گردد. این دو محور، برپایی دولت اسلامی را امر عقب‌مانده جلوه می‌دهد و آن را مستحق مخالفت می‌داند.

استعمار فقط به این برنامه‌های درسی رسمی اکتفا نکرد؛ بلکه در کنار آن، مدارس تبشیری را بنیان نهاد که کاملاً بر پایه استعمار فرهنگی و فکری طراحی شده بودند. همچنین مراکز فرهنگی‌ای تأسیس کرد که جهت‌گیری‌های سیاسی نادرست و مفاهیم فرهنگی منحرف را اشاعه می‌دادند. به این ترتیب، فضای فکری مدارس و مراکز فرهنگی، جامعه را به گونه‌ای آموزش می‌داد که آن را از فکر نمودن درباره دولت اسلامی باز دارد و مانعی در برابر تلاش برای تحقق آن ایجاد کند.

افزون بر آن، خطمشی سیاسی در تمامی سرزمین‌های اسلامی بر پایه جدایی دین از زندگی شکل گرفت. عرف غالب نزد نخبگان فرهنگی، جدایی دین از دولت و نزد عموم مردم، جدایی دین از سیاست شد. در نتیجه این وضعیت آن بود که گروه‌هایی از نخبگان ادعا کردند که علت عقب‌ماندگی مسلمانان، پایبندی آن‌ها به دین است و تنها راه پیشرفت را در ملی‌گرایی و تلاش برای آن دانستند...» پایان نقل قول.

نتیجه‌گیری:

بر این اساس، لازم است که نه تنها سرزمین‌های اسلامی، بلکه نهادهای تعلیمی و افکار مسلمانان از هرگونه اثر و شائبه‌ای از استعمارگران پاکسازی شود تا ریشه‌های آن قطع گردد و امت اسلامی به فکری پاک و خالص بازگردد.

برادران عطاء بن خلیل أبو الرشته

۲۱ محرم ۱۴۴۷ هـ.ق.

۱۶ جولای ۲۰۲۵ م.

مترجم: مصطفی اسلام